



بازتاب مکتب سامرا در سیره تربیتی و آموزشی شیخ عبدالکریم حائری



سیدعباس رضوی

شیخ عبدالکریم درس‌های آغازین را در یزد خواند. برای ادامه تحصیل نزد فاضل اردکانی به کربلا رفت و اردکانی طی نامه‌ای وی را به حوزه سامرا به سرپرستی میرزای شیرازی معرفی کرد.

میرزا با خوشرویی ایشان را پذیرفت و زمینه اسکان و تعلیم و تربیت وی را فراهم کرد و به او گفت: آقای فاضل راجع به شما جوری نوشته است که من به شما اخلاص پیدا کردم و (پیش از آماده شدن حجره در مدرسه) او را در بیرونی منزل جای داد و مادرش را نزد همسر خود به اندرونی فرستاد. ۲

● تکلیف محوری

میرزای شیرازی برای هدفی بزرگ‌تر حوزه مرکزی و پرتلبه نجف را به قصد سامرا ترک کرد و حاج شیخ نیز در پی ادای تکلیف بود. او باوری دین را بی‌پناه می‌دید که نیازمند سربازانی متعهد و در صحنه‌اند و این مهم را در تربیت طلاب دید. برای این هدف از کربلا راهی ایران شد. در اندیشه

مرجعیت نیز نبود؛ بلکه در پی رسالتی بود که؛ باید به خوبی انجام بگیرد.

آقا جمال گلپایگانی (۱۲۹۵-۱۳۷۷ق) از شاگردان میرزای دوم (۱۳۳۸ق) در این باره چنین گفته است:

«... با آقای حاج شیخ عبدالکریم در ترن سامرا همراه بودم که ایشان می‌خواست به ایران برود. من به ایشان گفتم: شما از کسانی هستید که بعد از آقای شیرازی مشار بالبنان می‌باشید چرا می‌خواهید به ایران بروید؟ ایشان گفتند: من نمی‌خواهم مرجع بشوم می‌خواهم بروم ایران اگر از دستم برآید خدمتی به اسلام و مسلمانان بکنم.»^۶

حائری نگران وضع فرهنگی و اجتماعی ایران بود. سیر جریان‌ها در ایران او را نگران می‌کرد. پایگاه روحانیت که رشد و بالندگی باورها به آن بستگی داشت را کم‌رونق می‌دید. او می‌دید اندیشه‌های مادی میدان‌داری

ایشان سال‌ها در حوزه سامرا از تعلیمات میرزای بزرگ و عالمانی مانند: سیدمحمد فشارکی، سیدمحمدتقی شیرازی،^۳ شیخ ابراهیم محلاتی (۱۳۳۶ق) و سیدمرتضی کشمیری،^۴ استفاده برده بود. درس‌ها را با میرزا علی‌آقا فرزند میرزا مباحثه می‌کرد و درس را به میرزا پس می‌دادند.^۵ حائری پس از میرزا درس را در نجف

ادامه داد؛ پس از پایان درس، مدتی در مدرسه حسن‌خان کربلا به تعلیم و تربیت طلاب انجام وظیفه کرد تا آن‌که به دعوت علمای سلطان‌آباد به این شهر (اراک) آمد و حوزه‌ای کارآمد و قوی را در آنجا پی افکند. در سال ۱۳۰۰ش، به قم آمد و حوزه قدیم این شهر را احیا کرد و صدها طلبه فاضل و کارآمد مانند: آیت‌الله سیدمحمد طالقانی، امام خمینی، ملاعلی همدانی، سیدمحمدتقی خوانساری، آیت‌الله گلپایگانی و... تربیت کرد و این شجره طیبه توانست در اوج وزش طوفان‌های الحاد در ایران و جهان از دیانت صیانت کند. حاج شیخ در این راه از تجارب و ارزش‌های حوزه سامرا و شهره به مکتب سامرا بهره برد. تأثیر سیره آموزشی و تربیتی میرزا در شیوه تربیتی و آموزشی و تبلیغی حوزه قم بسیار مؤثر بوده که به نمونه از آن اشاره می‌کنیم.

و مشاهده نابسامانی‌های پدید آمده به دست دولتیان، خوانین و استعمار ایشان را واداشت تا بماند و نیروهای کارآمد تربیت کند و به سهم خود با نابسامانی‌ها به رویارویی برخیزد.

بنابراین در پاسخ به نامه میرزا محمدتقی شیرازی به سال ۱۳۳۷ ه.ق که از او خواسته بود به عتبات برگردد، نوشت:

«... من نمی‌توانم به عراق بیایم؛ چون احساس می‌کنم آینده ایران سیاه خواهد بود و وضعیت اجتماعی بدی را برای این کشور پیش‌بینی می‌کنم. اگر می‌توانید شما به اینجا بیایید. به نظر من مرکز روحانیت باید در اینجا تشکیل شود و قدرت زیادی هم داشته باشد...»^۹

بازتاب این نامه در میان علمای ایران و عتبات اهمیت بازسازی حوزه‌های ایران را نشان می‌داد. او به این باور رسیده بود حوزه قوی ایران می‌تواند پشتیبان حوزه‌های عتبات باشد؛ بنابراین حوزه اراک الگویی شد برای تشکیل حوزه کامل‌تر. حاج شیخ با توجه به پیشنهادهایی که از قم می‌رسید روی تشکیل حوزه در قم به مطالعه پرداخت، تا این که در سفری به قم به قصد زیارت مرقد مطهر

او به این باور رسیده بود حوزه قوی ایران می‌تواند پشتیبان حوزه‌های عتبات باشد؛ بنابراین حوزه اراک الگویی شد برای تشکیل حوزه کامل‌تر.

دیدن استقبال گرم مردم از حوزه از یک سو و مشاهده نابسامانی‌های پدید آمده به دست دولتیان، خوانین و استعمار ایشان را واداشت تا بماند و نیروهای کارآمد تربیت کند و به سهم خود با نابسامانی‌ها به رویارویی برخیزد.

می‌کنند و فرقه‌های انحرافی چون دراویش و صوفی‌گری به رهبری نورعلی‌شاه بازارگرمی دارند و کار را بر باورهای راستین دشوار می‌سازند.^۷

از سوی دیگر مقام‌های دولتی نه‌تنها کانون‌های مذهبی را تقویت نمی‌کردند که با کارکردهای ناپایست خود زمینه رشد گروه‌های انحرافی را فراهم می‌آوردند. شیخ عبدالکریم برای سامان دادن به وضع دینی و روحانیت به ایران آمد. بار اول به سال ۱۳۱۸ ق به اراک آمد، تا سال ۱۳۲۳ در آنجا ماند و به سال ۱۳۳۲ ه.ق. برای بار دوم به اراک بازگشت و حوزه‌ای آبرومند تشکیل داد. به درس‌ها و بحث‌ها شوری تازه بخشید. حدود سیصد طلبه برای درس خواندن به اراک آمدند و همین در این برهه از زمان بسیار مهم و امیدوارکننده بود؛ از این رو حاج شیخ با دیدن وجد و شوق و استقبال اهل فضل از حوزه اراک ابراز داشت: من حوزه اراک را از سامرا کمتر نمی‌بینم.^۸

دیدن استقبال گرم مردم از حوزه از یک سو

علمای قم نیز پیش از آمدن حاج شیخ در پی ایجاد کانونی بودند که به پراکندگی‌ها پایان دهد و در برابر دین‌ستیزی‌ها و بحران‌های اجتماعی روزگار بایستد. آنان می‌دیدند مشروطه که با آن همه فداکاری علما پا گرفت به دست نامحرمان افتاد و اکنون برای احیای دین و دفاع از عدالت اجتماعی تلاشی دوباره باید انجام داد.

با وجود این علمای تهران هم درصدد بودند تا یکی از بزرگان دین را محور قرار دهند که با رهبری‌های او بتوانند به وضع نابسامان مراکز دینی سامان بدهند. نام میرزا علی‌آقا شیرازی فرزند میرزای بزرگ،^{۱۲} شیخ کاظم شیرازی از شاگردان

میرزای اول و شیخ عبدالکریم حائری یزدی از دست‌پروردگان حوزه سامرا، بر سر زبان‌ها بود.^۵

آیت‌الله فیض قمی در اندیشه آن بود که برای حوزه علمیه قم کاری بکند. فیض قمی پیش از ورود حائری به قم، هماره می‌گفت: «تا زمامدار و علمدار نباشد، توسعه حوزه میسر نیست. در قم هم مَنْ بِه الْكفایه وجود ندارد، و من پروبالی ندارم تا پرواز کنم؛ بنابراین به دعوت دیگران از خارج قم نیازمندیم تا او را علمدار سازیم و همه طلاب و دیگران را برای حمایت از او بسیج کنیم و وجوهات برای تشیید و توسعه حوزه در

حضرت معصومه^ع قم را برای یک تحول و تشکیل حوزه‌ای قوی و کارآمد در آن مساعد دید و امیدوار بود؛ بلکه بتواند مدارس قم را از مهجوریت درآورد. این‌گزینش از جهت‌های گوناگون‌گزینش مناسب بود.

قم دارای پیشینه هزار ساله علمی و حوزوی بود. مرقد مطهر حضرت فاطمه معصومه^ع در قم جایگاه خاصی به قم می‌بخشید و روایات رسیده از ائمه^ع درباره شرافت این مکان و معرفی قم به عنوان کانون آل محمد^ع بر اهمیت آن می‌افزود.

در نهضت مشروطیت بیش از هزار نفر از علما و فضلاء تهران در اعتراض به حکومت

قاجار به قم هجرت کردند و در جوار حضرت معصومه^ع خواستار برقراری عدالت اجتماعی شدند.^{۱۰} دعوت علمای قم نیز که بسیاری از آنان از رفقای حاج شیخ در حوزه سامرا بودند، زمینه را برای اقامت حائری در این شهر فراهم می‌ساخت؛ از این رو حائری در ۲۲ رجب ۱۳۴۰هـ.ق / نوروز ۱۳۰۱ش، اراک را به قصد زیارت حضرت معصومه^ع ترک کرد و در ۲۴ رجب به قم رسید و با استقبال علما و مردم روبه‌رو شد. سلطان‌الواعظین واعظ و شیخ محمدتقی بافقی با تشریح موقعیت دینی و تاریخی حوزه قم از حائری خواستند که در قم بماند.^{۱۱}

شیخ تربیت شده حوزه سامرا بود و در سایه تعلیم و تهذیب میرزا و دست‌پروردگان ایشان به جایگاه بلندی از تقوا و مکارم اخلاق نایل آمده بود. در رویدادهای مشروطه و رویانیهای علمای مشروطه‌طلب و مشروعه‌خواه راه‌سومی رادرپیش گرفته بود و با هیچ‌کدام از دو جریان همراه نشده بود و به تعبیر میرزا محمد ارباب قمی رویی تازه داشت.

اختیار او قرار گیرد.^{۱۳}

میرزا محمدتقی شیرازی احتیاطات خود را به

ایشان بر آن بود که حائری یزدی از میان ایشان رجوع و تنفیذ می کرد.^{۱۴}

آیت الله فیض قمی،

سیدحسن برقعی را روانه اراک کرد تا از حاج شیخ بخواهد به قم سفر کند و از نزدیک شرایط را بررسی کند و حاج شیخ پذیرفت. مردم و علمای قم تا شاه جمال به استقبال حاج شیخ آمدند، و آیت الله حائری را با تجلیل فراوان و استقبالی

علت موفقیت، مرحوم حاج شیخ عبدالکریم این بود که علمای قم، افرادی متقی و پرهیزکار بودند و الا اگر ایشان جای دیگری رفت ممکن بود از معظم له استقبالی که درخور شخصیت شان باشد به عمل نمی آمد و قهراً ایشان در کار خود موفق نمی شد.

افراد با صلاحیت و مورد نظر از جهت فضایل و مدیریت و نزدیک بودن اراک به قم، رجحان دارد.

شیخ تربیت شده حوزه سامرا بود و در سایه تعلیم و تهذیب میرزا و دست پروردگان ایشان به جایگاه بلندی از تقوا و مکارم اخلاق نایل آمده بود.

کم نظیر وارد قم کردند.^{۱۵} میرزا محمد ارباب و سید فخرالدین و شماری دیگر به حاج شیخ پیشنهاد کردند: برای مقابله با مفسد پنهان رضاخان قم را برای سکنی انتخاب کنند و حوزه اراک را به قم منتقل نمایند.^{۱۶}

در رویدادهای مشروطه و رویانیهای علمای مشروطه طلب و مشروعه خواه راه سومی را در پیش گرفته بود و با هیچ کدام از دو جریان همراه نشده بود و به تعبیر میرزا محمد ارباب قمی رویی تازه داشت.

● همراهی علما در تأسیس حوزه

حاج شیخ پس از هجرت به قم محور حوزه قرار گرفت. علما در نماز ایشان شرکت کرده و شاگردان خود را تشویق کردند در درس او شرکت کنند و در بازسازی حوزه قم یار و مددکار او شدند؛ همچنان که شاگردان فاضل شیخ انصاری چون شیخ حسن نجم آبادی، شیخ جعفر شوشتری، میرزا حسن آشتیانی، ملا حبیب الله رشتی و دیگران پس از درگذشت استاد با میرزای بزرگ همدلی نشان دادند،^{۱۷} علمای قم نیز به یاری حائری برخاستند. به تعبیر امام خمینی:

علت موفقیت، مرحوم حاج شیخ عبدالکریم

افزون بر این ها شیخ در اداره کردن حوزه ای وزین و تربیت طلبه های فاضل و کارآمد در ایران مرکزی موفق بود و علما امیدوار بودند که با رهبری او بتوانند دوران پرنج را پشت سر بگذارند و با حوزه قوی و توانا در برابر ناهنجاری ها قد علم کنند.

● به تعبیر آیت الله مالیری:

شیخ یک بزرگی های اخلاقی خاصی داشت... خواستند یک محور دیگری در ایران برای جلوگیری کردن از سوانح و حوادث [مشروطه به وجود آورند] مرحوم حاج شیخ را تقریباً آماده این کار می دانستند؛ چون ایشان مقسم میرزای شیرازی بزرگ بودند.

علم داریم و همگی باید دور او بچرخیم. حاج شیخ در ورود به قم به منزل میرزا مهدی پائین شهری از رفقای دوره سامره خود وارد شد. آن دو به منزل یکدیگر رفت و آمد می کردند و حاج شیخ در مجلس روضه میرزا مهدی شرکت می کرد.^{۲۱}

میرزا عبدالله چهل ستونی، حاج آقا عبدالله آل آقا و سید مهدی کشفی؛ پس از ورود حاج شیخ به قم آمدند و برخی برای استفاده و بعضاً برای تقویت در درس ایشان حاضر می شدند. میرزا ابوالفضل زاهدی، میرسید حسن برقی، سید محمود روحانی و سید محمد صدرالعلما با آن که در شمار علما بودند در اراک به حاج شیخ ملحق شدند و با ایشان به قم آمدند.^{۲۲} میرزا محمد ارباب قمی در تواضع و اخلاص زباند همگان بود؛ پس از آغاز تدریس حاج شیخ ایشان به شاگردان خود گفت:

ما سال ها است «اهم» و «مهم» را به شما

درس می دهیم، در حال حاضر حضور در درس آیت الله حائری «اهم» است، برخیزید و در درس ایشان حاضر شوید. همه شاگردان او از جمله دو فرزندش (میرزا محمدتقی و میرزا باقر) در درس آیت الله حائری حاضر شدند.^{۲۳}

آیت الله فیض قمی با همه وجود در حمایت از حاج شیخ کوشید. ایشان طلاب و فضلا را به شرکت در درس ایشان و

این بود که علمای قم، افرادی متقی و پرهیزکار بودند و الا اگر ایشان جای دیگر می رفت ممکن بود از معظم له استقبالی که درخور شخصیت شان باشد به عمل نمی آمد و قهراً ایشان در کار خود موفق نمی شد.^{۱۸}

آیت الله شیخ ابوالقاسم کبیر قمی با استقرار آیت الله حائری در قم، از چاپ رساله عملیه خود منصرف شد و مکرر می گفت: خدا طول عمر به آقای حاج شیخ بدهد، آمد شهر ما را آباد کرد.^{۱۹}

● به گزارش آیت الله سید مصطفی صفایی:

آیت الله شیخ ابوالقاسم کبیر قمی و آیت الله میرزا محمد ارباب به دیدن حاج شیخ عبدالکریم آمده بودند. بحثی فقهی بین این سه بزرگوار در گرفت. در بازگشت، آقای ارباب به حاج شیخ ابوالقاسم می فرماید: حاج شیخ با ما فرق می کند، هر کجا که باشد حوزه

تشکیل می دهد؛ پس چه بهتر که در قم تشکیل گردد و ما قمی ها هم در آن سهیم باشیم. شیخ ابوالقاسم کبیر می فرماید: من هم می خواستم همین را بگویم؛ از این رو بنا می گذارند که برگردند و از حضور آقای حائری درخواست اقامت کنند و این کار را هم می کنند.^{۲۰} ایشان در اعیاد به دیار حاج شیخ می رفت و با اشاره به حاج شیخ می گفت: ما یک

میرزا محمد ارباب قمی در تواضع و اخلاص زباند همگان بود؛ پس از آغاز تدریس حاج شیخ ایشان به شاگردان خود گفت: ما سال ها است «اهم» و «مهم» را به شما درس می دهیم، در حال حاضر حضور در درس آیت الله حائری «اهم» است، برخیزید و در درس ایشان حاضر شوید. همه شاگردان او از جمله دو فرزندش (میرزا محمدتقی و میرزا باقر) در درس آیت الله حائری حاضر شدند.

سطح علمی طلاب را بالا ببرد و هم به استفتائات پاسخ بگوید و کارهای علمی خود را پیش ببرد.

افزون بر این، چگونگی برخورد با حکومت جائر که به هیچ وجه شکل گیری حوزه را بر نمی تابید و آن را ناسازگار با سیاست های علمی و فرهنگی خود می دانست، به یک مدیریت فوق العاده ای نیاز داشت که حاج شیخ به گواه دوست و دشمن از آن برخوردار بود.

حاج شیخ با اخلاق نیک و میدان دادن به اندیشه ها و سلیقه ها حوزه را با برادری و صفا اداره کرد و از فرو افتادن حوزه در بی برنامه گی جلوگیری کرد. به نوشته آقا بزرگ تهرانی:

فنظم من کان فیها من طلاب العلم، تنظیماً
عالیاً و اعلیٰ من عزمه علی جعلها مرکزاً علمیاً
یکون له شأنه فی خدمة الاسلام و اشادة
دعائه. ۲۸

طلاب علوم دینی را به بهترین شیوه سازمان داد از هدف و برنامه خود به گزینش قم، به عنوان مرکزی برای خدمت به اسلام و تحکیم پایه های دین، پرده برداشت.

یا آیت الله سید احمد زنجانی درباره حسن اداره او می نویسد:

آن مرحوم در کثرت علم، حدت ذهن، دقت نظر، قوه فکر و حسن تقریر کم نظیر بود و به خصوص حسن اداره هم داشت که در اثر حسن خلق به خوبی و پاکیزگی، جامعه را اداره می کرد. ۲۹

بهره گیری از محضر درس او فرا خواند و تا سرحد امکان برای تقویت و توسعه حوزه تحت زعامت آیت الله حائری، تلاش کرد. ۲۴ سید علی تهجدی از شاگردان میرزای نائینی در مراجعت به ایران در قم ساکن شد و با آیت الله یزدی در تأسیس حوزه همکاری کرد. ایشان در نهایت به ساوه رفت و به رتق و فتق امور دینی مردم مشغول شد. ۲۵

● سازماندهی حوزه

حاج شیخ عبدالکریم از نزدیک شاهد مدیریت شیرازی در اداره حوزه سامرا بود و در توزیع شهریه طلاب سامرا به استاد کمک می کرد. ۲۶ ایشان تجارب خود را در این راه در سازماندهی حوزه قم به کار گرفت؛ از جمله:

۱. رهبری واحد. او روی این نظر تأکید داشت که اداره حوزه باید زیر نظر یک نفر اداره شود و دیگران به او یاری برسانند و راه های صحیح و روشن اداره حوزه را به روی او بکشایند. ایشان رمز توفیق استادش میرزای بزرگ را در پیروی یکپارچه علما از برنامه های او در اداره حوزه می دانست و پراکندگی را موجب از میان رفتن سرمایه ها و زبونی می شمرد و می گفت:

... هر صنف که در تحت ریاست رئیس

نباشد دلیل می شود، به خلاف آن که اگر رئیس داشته باشد معزز و مکرم خواهد بود. ۲۷
علمای قم به مدیریت و تدبیرهای او خالصانه گردن نهادند و گرنه حاج شیخ نمی توانست هم بتواند حوزه را اداره کند، هم به درس و بحث طلاب برسد و

● گزینش طلاب

زیر نظر داشته باشد تا به مرحله کمال برسد و خود بتواند علاقه‌مندان به تربیت اسلامی را تربیت کند.

حاج شیخ برای اشراف بهتر بر امور اصلاحی و تهذیب طلاب، افراد ناشناسی را مأمور کرده بود، که بر کار مدارس و حوزه‌ها نظارت کنند تا از انحراف برنامه‌ها پیشگیری شود و خسارت‌ها بهتر ترمیم شود.^{۳۱}

● کارگزاران و مشاوران

همچنان که میرزای بزرگ در اداره حوزه سامرا از مشورت کسانی چون: سید عبدالمجید همدانی،^{۳۲} سید حسن صدر، سید اسماعیل شیرازی، سید اسماعیل

صدر، میرزای نائینی بهره

داشت،^{۳۳} حاج شیخ نیز افزون بر تشکیل شورای فقهی با حضور آیت‌الله سیدمحمدتقی خوانساری، آیت‌الله اراکی، شیخ حسن نویسی، میرزا محمود روحانی و میرزا محمدتقی اشراقی،^{۳۴} برای اداره حوزه

قم، از مشاوران و مدیران

خداترس و مدبر کمک می‌گرفت. میرزا محمد ارباب از مشاوران حاج شیخ بود و نیز در مسائل مهم سیاسی و موضع‌گیری با سید محمد بهبهانی مشورت می‌کرد. آیت‌الله سیدعلی یثربی کاشانی ماهی یکی دو بار به قم می‌رفت و با حاج شیخ

پس از تشکیل حوزه و رونق درس‌ها و بحث‌ها، طلاب بسیاری از سرتاسر ایران برای فراگیری دانش‌های دینی قم شدند؛ ولی شیخ برای حوزه و تربیت و چگونگی گزینش طلاب برنامه داشت و چنین نبود که درهای حوزه برای هرکس باز باشد.

ایشان روی گزینش افراد دقت می‌کرد و کسانی را مأمور رسیدگی به وضع افراد تازه‌وارد کرده بود. کسی که وارد حوزه می‌شد ارزیابی می‌گردید. اگر استعداد و توان و هوش لازم را برای فراگیری دانش‌های حوزوی داشت برگزیده می‌شد و گرنه او را تشویق می‌کردند که به کاری دیگر بپردازد.

● گزارش شیخ عبدالحسین غروی:

برنامه مرحوم حاج شیخ این بود، که تا طلبه‌ای شش ماه در قم نمی‌ماند و دقیقاً شناسایی نمی‌شد، نه به او حجره می‌دادند و نه شهریه.^{۳۵} حاج شیخ در این اندیشه بود که طلاب گرچه از نظر

شمار اندک؛ ولی با ارزش‌های اسلامی تربیت شوند. ایشان می‌دید هر زیان و صدمه‌ای به دین وارد می‌شود از سوی کسانی است که در تربیت آنان خلل و گسستی وجود داشته و در مکتب تربیتی درست و شایسته‌ای رشد و نمو نکرده‌اند؛ بنابراین سعی می‌کرد طلبه را از آغاز

ایشان روی گزینش افراد دقت می‌کرد و کسانی را مأمور رسیدگی به وضع افراد تازه‌وارد کرده بود. کسی که وارد حوزه می‌شد ارزیابی می‌گردید. اگر استعداد و توان و هوش لازم را برای فراگیری دانش‌های حوزوی داشت برگزیده می‌شد و گرنه او را تشویق می‌کردند که به کاری دیگر بپردازد.

جلسات مشورتی داشت.^{۳۵}

حاج شیخ برای تقویت بنیه علمی و معنوی طلاب از فضلالی نجف و علمای شهرستان‌ها و روستاهای ایران دعوت کرد تا به قم بیایند، تا برای همیشه یا برای مدتی در خدمت طلاب باشند. ایشان از سید صدرالدین صدر و شیخ عباس قمی دعوت کرد تا از مشهد راهی قم شوند و آنان نیز به دعوت او پاسخ مثبت

دادند. سید صدرالدین صدر که به عزم اقامت مشهد به ایران آمده بود به مقتضای درخواست مؤسس حوزه در سال ۱۳۴۶، به قم آمد و همراه با شرکت در درس حاج شیخ خود نیز برای طلبه‌ها تدریس می‌کرد.^{۳۶} حاج شیخ در مسایل مهم اجتماعی با سید صدرالدین صدر مشورت می‌کرد.^{۳۷} و به شواهدی حاج شیخ با توجه به ضعف جسمانی و پیری و

شایستگی‌های اخلاقی و مدیریتی صدر^{۳۸} در نظر داشت رهبری حوزه را پس از خود برعهده ایشان بگذارد.^{۳۹}

شیخ عباس قمی با دعوت از ایشان برای آمدن به قم با همه علاقه به مجاورت امام رضا^{علیه السلام} و در اختیار داشتن زمینه‌های تبلیغ در حرم ثامن الائمه^{علیه السلام} برای کمک حاج شیخ به قم آمد.^{۴۰} و در ارتقاء حوزه کوشید.^{۴۱}

شیخ محمد مصدرا لامور جابلقی (۱۳۷۳ق) از شاگردان و مجاز از سوی حاج شیخ به اجازه

اجتهاد از کارگزاران حاج شیخ در قم بود.^{۴۲} در آغاز کار شیخ محمدتقی بافقی شهریه طلاب را توزیع می‌کرد.^{۴۳}

شیخ عبدالحسین بروجردی (۱۳۰۸-۱۳۷۷) معروف به صاحب الداری،^{۴۴} افزون بر تقسیم شهریه،^{۴۵} اداره مدرسه فیضیه و دار الشفا را نیز بر عهده داشت. ایشان در مدرسه فیضیه مستقر بود و به کارهای طلاب رسیدگی می‌کرد.^{۴۶} مسئولیت کتابخانه

مدرسه فیضیه،^{۴۷} پیگیری امور نظام وظیفه طلاب^{۴۸} و رسیدگی به گرفتاری‌ها و مشکلات اجتماعی طلاب نیز از دیگر کارهای او بود.^{۴۹}

بنا به گزارشی عده‌ای از طلاب قم به سخت‌گیری‌های ایشان در اداره حوزه اعتراض کردند. سید محمود طالقانی و آقارضا زنجانی در رأس معترضین بودند که آیت‌الله به آنان اجازه داد شخصی دیگر به جای او عهده‌دار این امور شود که آن دو با روبه‌رو شدن با مشکلات کار نتوانستند به کار ادامه دهند و صاحب الداری به کار خود بازگشت.^{۵۰}

شیخ عبدالکریم حائری، سرپرستی معنوی هر گروه از طلاب را به فردی از افراد خوش نام همان منطقه سپرده بود. شیخ علی اکبر الهیان سرپرست طلاب قزوین و گیلان بود.^{۵۱} شیخ ابراهیم ریاضی مقسم شهریه طلاب اصفهان بود.^{۵۲} سید هدایت‌الله عقدایی،

حاج شیخ برای تقویت بنیه علمی و معنوی طلاب از فضلالی نجف و علمای شهرستان‌ها و روستاهای ایران دعوت کرد تا به قم بیایند، تا برای همیشه یا برای مدتی در خدمت طلاب باشند. ایشان از سید صدرالدین صدر و شیخ عباس قمی دعوت کرد تا از مشهد راهی قم شوند و آنان نیز به دعوت او پاسخ مثبت دادند.

از چند راه حاصل می‌شد. درآمد شخصی، کمک بازرگانان، اعیان شهرها و کمک‌های آیت‌الله حائری، به گروهی که همه مخارج‌شان را ایشان از راه حقوق شرعی (سهم امام) تأمین می‌کرد.^{۵۹} نیز به طلاب درس خوان و کوشا کمک‌های ویژه‌ای داشت.^{۶۰}

رضاخان پهلوی به هدف محدودکردن روحانیت مجموع اوقاف مدارس را که از منابع حوزه‌ها بود را در اختیار دولت قرار داد و بدین گونه مدارس بسیاری تصرف شد و در اختیار آموزش و پرورش قرار گرفت.^{۶۱}

● دقت در تأمین حوزه

حاج شیخ روی اداره زندگی طالبان علم از راه درست و سالم تأکید داشت و سعی داشت وجوهات با برنامه گردآوری و توزیع شود.^{۶۲} نیز ایشان از گرفتن پول‌های شبهه‌ناک

پرهیز داشت و طلاب را نیز از پذیرش کمک‌های مشکوک پرهیز می‌داد و آن را سد رسیدن به معنویت می‌دانست. به گفته آیت‌الله سید محمدرضا گلپایگانی:

روزی یکی از تجار، پول قابل توجهی که ظاهراً، سی هزار تومان بود (به اندازه سه ماه شهریه طلاب حوزه) به محضر... حاج شیخ عبدالکریم حائری... آورد؛ اما مرحوم حاج شیخ با همه احتیاج حوزه به این پول، پس از آگاهی از منشأ کسب آن که چندان صحیح

سید عبدالوهاب بفروئی،^{۵۳} شیخ محمدعلی قمی و شیخ محمد صدوقی یزدی نیز در تأمین و توزیع شهریه به حاج شیخ کمک می‌کردند.^{۵۴}

آیت‌الله زاهدی گاه به جای شیخ نماز جماعت اقامه می‌کرد، نیز به عنوان نماینده ایشان در آرام کردن اوضاع و امور و رسیدگی به مشکلات مردم نقش آفرین بود.^{۵۵}

سید مصطفی صفائی

خوانساری، افزون بر عضویت در شورای استفتاء در اداره حوزه به حاج شیخ کمک می‌کرد.^{۵۶}

اسنادی در دست است که آیت‌الله، به صفائی خوانساری مأموریت داده است که برای اصلاح ذات‌البین و اختلافات خانوادگی برخی از حوزویان اقدام کند.^{۵۷}

برخی از فضلای حوزه به عنوان نماینده آیت‌الله با

شخصیت‌های جهانی دیدارکننده از قم ملاقات می‌کرد. در سال ۱۳۵۴ق. تاگور فیلسوف معروف هندی که از رهبران هند مورد تجلیل و توجه مردم هندوستان بود به قم آمد. آیت‌الله حائری میرزا خلیل کمره‌ای، سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی و محمدتقی اشراقی واعظ را به دیدن او فرستادند.^{۵۸}

● منابع مالی حوزه

به گزارش ریحان یزدی: هزینه زندگی طلاب

و شرعی نبود، آن مبلغ کلان را که می توانست چند ماه فکر ایشان را از مخارج حوزه راحت سازد بر می گرداند.^{۶۳}

● آینده نگری در تأمین حوزه

اقتصاد ناپایدار کشور، حاج شیخ را برای اداره حوزه و تأمین آینده آن به اندیشه فرو برد. او پس از دقت و نگاه همه سویه به قضایا به این نتیجه رسید که بخشی از وجوهات را نزد بازرگانان امین ذخیره سازی کند. این کار از دغدغه او درباره اداره حوزه و معیشت طلاب می کاست و با گردش پول در جامعه، بر درآمد حوزه نیز افزوده می شد و از وابستگی روزمره به افراد متمکن و اثرگذار به آن کاسته می شود. به گزارش سید علی رضا ریحان یزدی:

آیه الله همیشه مبلغ خطیری از وجوهاتی که کسانی رسماً به پرداخت آن به طور تدریج متعهد شده اند ذخیره دارند و این تا اندازه ای پایداری حوزه را به ما نوید می دهد.^{۶۴}

سید شرف الدین عاملی که در آن دوره از قم دیدار کرده است در این باره نوشته است:

مدرسه قم حدود هزار طلبه را در خود جای داده است که همه آنها را حائری اداره می کند و از صندوق بیت المال هزینه آنها را می پردازد. درآمد این صندوق از وجوهی که تجار سراسر کشور متکفل آنند تأمین می شود. این وجوه بر طبق

برنامه سازمان های مالی منظم نزد تجار قرار داده شده (و آنها در گردش مالی خود از آن سود می برند و هزینه حوزه را نیز تأمین می کنند. سیره شیخ عبدالکریم حائری در تقسیم اموال بیت المال مانند امیرالمومنین علیه السلام است.^{۶۵}

● درس های حوزه

در حوزه سامرا دانش های متنوعی مانند ادبیات، تفسیر قران و حدیث، فقه و اصول و رجال و سیره و احیاناً طب تدریس می شد. حوزه آن روز قم از حوزه سامرا نیز جامع تر بود و مانند حوزه های قدیم علوم گوناگون و کاربردی در آن تدریس می شد. از جمله:

ادبیات عرب: شیخ ابوالقاسم نحوی در مسجد حاج علی بلور فروش. و میرزا علی ناسوتی و سید عبدالله اشتهاردی در مدرسه رضویه صرف و نحو درس می دادند.^{۶۶} حاج آقا صفائی نصاب الصبیان درس می داد و ولی الله عامری جامع المقدمات و سیوطی درس می داد و محمد حسین علامه نیز کتاب های ادبی تدریس می کرد.^{۶۷}

میرزا محمد ادیب تهرانی، ادبیات تدریس می کرد. وی در مسجد محمد علی سقا تدریس می کرد. این مسجد مملو از جمعیت می شد.^{۶۸} امام خمینی نزد وی مطول خوانده است.^{۶۹}

فقه و اصول: عمده درس های حوزه را تشکیل می داد. میرزا محمد همدانی شرح لمعه درس می داد و ملاعلی همدانی قوانین

و درس خارج فقه شروع کرد. ۷۹
آیت الله بروجردی در بازگشت
از سفر اول ایشان به مشهد به
دعوت آیه الله حائری چند
ماهی در قم توقف کرده و
تدریس نمودند.^{۸۰}

شیخ محمدرضا معزی
دزفولی (۱۳۵۲ق) و ساکن در
بروجرد در سال ۱۳۵۴ق به قم
آمد و در درس حاج شرکت
می کرد.^{۸۱} آیت الله مرعشی
نجفی گفته است: وی یک ماه
در قم بود و حاج شیخ در این
مدت درس را به ایشان واگذار
کردند و حقا ما درس را بهتر و

عالی تر از درس حاج شیخ عبدالکریم مشاهده
کردیم.^{۸۲} درس فقه و اصول سید شهاب الدین
مرعشی نیز همراه با فقه و اصول نکته های
اخلاقی و تاریخی سودمندی را برای طلاب
بیان می کرد.^{۸۳}

● استادان اخلاق و عرفان

حاج شیخ مانند استادش میرزا در سامرا^{۸۴}
به تربیت معنوی طلاب بسیار توجه داشت.
هماره در ضمن درس و در جمع های کوچک
طلاب و حجره ها به طلبه ها یادآور می شد. از
جمله می فرمود:

طلبه باید [اعمی مسلک] باشد لایبشرط
باشد. اگر می خواهد بشرط و اخصی باشد
حتما باید نهارم چطور باشد لباسم چطور

بین روحانی و غیرروحانی فرق
است. روحانی مانند لباسی
می ماند که از برف سفیدتر
است ولی غیر روحانی مثل
لباسی است که از ذغال سیاه
باشد. این هرچه کاربدی بکند
و قدم کجی بردارد به سیاهی
آن ضرر نمی زند. مثل هرگرد و
غباری که روی ذغال بیاید اثری
ندارد. اما جماعت روحانی
هرگرد و غباری که بیاید روی
برف، برف را سیاه می کند. از
بس که سفیداست یک خورده
گرد بنشیند. معلوم می شود.
..روحانی باید این جور
حرکت کند و الا مردم می روند.

شبها در مدرسه فیضیه نماز جماعت اقامه
می کرد و پس از نماز به تدریس خارج فقه و
اصول می پرداخت.^{۷۵}

سید محمد حجت نیز در دارالشفاء فقه
و اصول تدریس می کرد.^{۷۶} آیت الله حائری
طلاب را تشویق کرد در درس ایشان شرکت
کنند.^{۷۷}

آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی و میرزای
نائینی نیز در سال ۱۳۴۳ق، در سفر تبعید به
قم افزون بر اقامه نماز جماعت برای طلاب
خارج فقه و اصول تدریس می کردند.^{۷۸}

میرزا محمدصادق اصفهانی (۱۳۴۸ق) از
شاگردان برجسته میرزا و آخوند خراسانی و از
همکاران آخوند در تصنیف کفایه الاصول در
سال ۱۳۴۵ جریان نهضت آقا نورالله به قم آمد

تدریس می کرد. آیت الله
سید صدرالدین هم سطح
(مکاسب)^{۷۰} و هم خارج
تدریس می کرد.^{۷۱} سید
محمدرضا گلپایگانی نیز
سطح فقه و اصول تدریس
می کرد.^{۷۲}

حاج شیخ خود در مدرسه
فیضیه و مسجد عشقلی خارج
فقه و اصول درس می داد.^{۷۳}
میرزا محمد ارباب و میرزا
محمد فیض قمی نیز خارج
فقه و اصول درس می دادند.^{۷۴}
شیخ محمد علی حائری قمی،
از شاگردان آخوند و میرزای دوم

باشد منزلم چطور باشد و ... کارش لنگ است ... خودش هم اعمی مسلک بود... تنها پیش آمدها و ناملایمات دینی به او صدمه می زد .. مثلا خودش نقل کرد که اطاقش چهار تکه فرش داشت یک روانداز دو کناره و یک میانه. یک شخص آمد گفت: آقا اینها مال من است و مال دزدیده شده است. گفت بیا وردار برو! می فرمود:

بین روحانی و غیر روحانی فرق است. روحانی مانند لباسی می ماند که از برف سفیدتر است ولی غیر روحانی مثل لباسی است که از ذغال سیاه باشد. این هر چه کار بدی بکند و قدم کجی بردارد به سیاهی آن ضرر نمی زند. مثل هر گرد و غباری که روی ذغال بیاید اثری ندارد.. اما جماعت روحانی هر گرد و غباری که بیاید روی برف، برف را سیاه می کند. از بس که سفیداست یک خورده گرد بنشیند. معلوم می شود. .. روحانی باید این جور حرکت کند والا مردم می رمند.^{۸۵}

افزون برآن برای تهذیب نفوس طلاب افراد عامل و خودساخته ای را در نظر گرفته بود. سید حسین فاطمی شاگرد حاج شیخ و معلم اخلاق در حوزه.^{۸۶} شیخ علی صفائی و شیخ ابوالقاسم قمی در حوزه درس اخلاق داشتند.^{۸۷} میرزا جواد ملکی تبریزی نیز از استادان اخلاق حوزه قم بود.^{۸۸} نیز حاج شیخ از میرزا علی شیرازی دعوت می کرد تا در جلسه های ویژه طلبه ها را موعظه کند.^{۸۹} میرزا محمد علی شاه آبادی در سال (۱۳۰۷ش) برای استفاده از شیخ عبدالکریم حائری به

قم آمد و خود نیز برای طلاب عرفان تدریس می کرد. امام خمینی شرح فصوص الحکم و منازل السائرين را نزد ایشان تلمذ می کند، نیز امام خمینی از تحصیل مفتاح الغیب و شرکت در درس اخلاق شاه آبادی در شب های جمعه در مسجد عشقعلی خبر داده است.^{۹۰} و نیز بخش هایی از فتوحات مکیه را نزد ایشان به پایان برد.^{۹۱} به گفته فرزندش: حاج شیخ و مرحوم والد (شاه آبادی) بسیار با یکدیگر مأنوس و ارتباطشان خیلی نزدیک بود چون ابتدای تأسیس حوزه بود و امثال پدر ما که حاج شیخ بتواند روی او حسابی بکند در حوزه کم بود زمانی هم که مرحوم والد به دلیل متعدد از قم به تهران مراجعت کردند حاج شیخ بسیار متاسف بود و مرحوم امام (خمینی) از قول حاج شیخ می فرمود: حیف از آقای شاه آبادی که حوزه را ترک کرد. رفتن ایشان خسارت بر حوزه بود نه برایشان^{۹۲} شیخ ابو القاسم کبیرقمی نیز در ضمن درس مسائل اخلاقی و عرفانی را بیان می کرد.^{۹۳}

● درس حکمت و فلسفه

حاج شیخ خود در دانش کلام و عقائد خبره بود رواج تصوف و درویشی گری و غلو و افراط گری در باورها موجب شد که ایشان مدتی در حوزه اراک وقت خود را به تحکیم عقائد و مبارزه با تصوف اختصاص دهد و با سخنگویان صوفیان مناظره کند.^{۹۴} نیز گاه درباره عقائد منبر می رفت. آیه الله اراکی گفته اند: یک روز، مرحوم حاج شیخ فرمود:

اصول، کلام، حکمت و تفسیر تدریس می‌کرد.^{۱۰۰} شیخ محمدعلی اراکی نیز برای برخی از طلاب تفسیر صافی درس می‌داد.^{۱۰۱} سید علی مفسر یزدی نیز درسی تفسیر داشت و میرزا حسین رحمانی نزد وی درس می‌خواند.^{۱۰۲} شیخ غلامرضا یزدی نیز درس کلام و تفسیر داشت.^{۱۰۳}

مرحوم حاج شیخ فرمود: مردم خیلی از حقیقت دین و اصول عقاید عاری و بری شده‌اند. و این مطلب، زیر سر ارباب عمائم است؛ زیرا علما و مجتهدان، که صلاحیت دارند، عارشان می‌آید که منبر بروند و آنها که منبر می‌روند، سواد درستی ندارند و به چند بیت شعر و آوازه خوانی اکتفا می‌کنند.

مردم خیلی از حقیقت دین و اصول عقاید عاری و بری شده‌اند. و این مطلب، زیر سر ارباب عمائم است؛ زیرا علما و مجتهدان، که صلاحیت دارند، عارشان می‌آید که منبر بروند و آنها که منبر می‌روند، سواد درستی ندارند و به چند بیت شعر و آوازه خوانی اکتفا می‌کنند و به این جهت

● علوم و فنون دیگر

میرزای شیرازی به دیگر تجارب بشری مانند طب و ریاضی نیز توجه ویژه داشت. و به افراد مستعد سفارش می‌کرد که این آموزه‌ها را نیز یاد بگیرند و آن را واجب کفائی می‌شمرد و به بهداشت و طب توجه ویژه داشت. همسرش نیز در مداوای بیماران، بویژه مداوای کودکان تجارب ارزنده‌ای در اختیار داشت و برادرش سید اسدالله نیز طبیب و در خدمت زوار و طلاب بود^{۱۰۴} و نیز از دیگر پزشکان برای آموزش و طبابت استفاده می‌کرد.

شیخ عبدالکریم نیز در این جهت راه استاد رفت. وی افراد مستعد را تشویق می‌کرد که درس طب بخوانند و با هنر خود بر بیماری‌های واگیر راه بندد از جمله به دکتر قریب سفارش کرد که درس طب بخواند و این کار را بر وی واجب کفائی شمرد.^{۱۰۵} نیز حاج شیخ از شیخ حسن رشدیه از رهبران فکری مشروطه تبریز

مردم از حقایق دین عاری شده‌اند. به این جهت، احساس وظیفه کرد و کانه خودش را مخاطب قرار داد که شما هم مشمول این حکم هستید. به این جهت، عملاً اقدام کرد یک ماه رمضان منبر رفت...^{۹۵} این برنامه در حوزه قم ضروری تر به نظر می‌رسید از این رو در قم نیز درس های کلام و حکمت رواج داشت و حاج شیخ از آن جا که درسهای معقول حوزه را در راستای تحکیم عقائد می‌دید با آن مخالفت نکرد. میرزا علی اکبر حکمی یزدی فلسفه درس می‌داد.^{۹۶} امام خمینی بخشی از اسفار ملاصدرا را نزد وی تلمذ کرد.^{۹۷} میرزا آقا دامغانی نیز برای عده‌ای حکمت درس می‌داد.^{۹۸}

● درس تفسیر

سید محمدباقر قزوینی از یاران آیت الله حائری در اداره حوزه مدرس سطح و تفسیر قرآن بود.^{۹۹} شیخ محمدقمی اشراقی فقه،

سال ۱۳۷۵ق، به نمایندگی از آیه الله بروجردی به هامبورگ آلمان رفت. ۱۱۴

● روابط استادان و شاگردان

از امتیازات مکتب سامرا روابط گرم و پدر فرزندی میان استادان و شاگردان بود. میرزای بزرگ برای طلاب سامرا پدری مهربان بود و با طلبه‌های غریب و بویژه افراد یتیم به مثابه پدر برخورد می‌کرد. طلبه‌ها با قناعت زندگی می‌کردند و عده قابل توجهی از آنان از شهریه نیز شهریه نمی‌گرفتند و سعی می‌کردند در کنار درس و بحث با کار و کسب دیگر زندگی را اداره کنند. ۱۱۵ حاج شیخ عبدالکریم نیز که از محبت‌های شیرازی سیراب بود، راه استادش را طی می‌کرد و علاقه خاصی به طلاب داشت و می‌فرمود: اینها فرزندان من هستند. ۱۱۶ برای طلاب غریب به مثابه پدری مهربان بود. به حجره‌های آنان سر می‌زد و از زندگی و احوال آنان می‌پرسید.

برای طلبه‌های بیمار طبیب و دارو تدارک می‌دید. ۱۱۷ با مزاح‌های و لطیفه‌های مناسب بند از دل‌های طلاب نوپا و خنده برلبانشان جاری می‌ساخت. ۱۱۸

شیخ محمدتقی بافقی از یاران حاج شیخ در این راه بود. وی مردی مهربان و مهرورز بود و در رفع مشکلات

که برای کودکان قمی مدرسه جدید تاسیس کرده و تجارب نوین بشری را به همراه تعالیم دینی به آنان می‌آموخت حمایت کرد. ۱۰۶

افزون بر موج ایجاد نهضت خدمت‌گزاری در قم و ساختن خانه برای سیل‌زدگان در مبارک آباد قم ۱۰۷ به همت حاج شیخ چند مرکز طبی و بهداشتی مانند بیمارستان فاطمیه با همت حاج شیخ تاسیس شد. دکتر سید محمود مدرسی (از روحانیون غیر ملبس) رئیس بهداری قم و پزشک آیت الله حائری بود. ۱۰۸ وی افزون بر طبابت طلاب و علما از دیگران نیز طبابت می‌کرد. ۱۰۹ حاج آقا عبدالله آل آقا نماینده حاج شیخ در بیمارستان سهامیه بود. ۱۱۰

شیخ رضا مسجد شاهی (۱۳۶۴ق) از فضلی هم‌دوره با حاج شیخ در سال ۱۳۴۴ به دعوت حاج شیخ برای تدریس به قم آمد. ۱۱۱ وی افزون بر فقه و اصول به تجارب نوین بشری نیز علاقه نشان می‌داد. ۱۱۲ محمد رضا مسجد شاهی دانش عروض و قوافی و

فلسفه غرب را به طلبه‌ها درس می‌داد. وی کتاب «نقد فلسفه داروین» را تالیف و آن را به طلبه‌ها تدریس می‌کرد. میرزا علی اکبر حکمی ریاضیات و هیئت درس می‌داد. ۱۱۳ شیخ محمد محقق لاهیجانی (۱۳۸۹ق) از فضلی زبان دان به عده‌ای از طلبه‌ها تاریخ طبیعی و فیزیک آموزش می‌داد. وی در

حاج شیخ عبدالکریم نیز که از محبت‌های شیرازی سیراب بود، راه استادش را طی می‌کرد و علاقه خاصی به طلاب داشت و می‌فرمود: اینها فرزندان من هستند. برای طلاب غریب به مثابه پدری مهربان بود. به حجره‌های آنان سر می‌زد و از زندگی و احوال آنان می‌پرسید.

درمیان آنان وجود نداشت ۱۲۲ این فضای معنوی در حوزه قم نیز دیده می‌شد در قم افزون بر تربیت صدها تن از استوانه‌های علمی طلاب با یکدیگر همدل و رفیق بودند. به گفته شیخ محمدرضا طبسی از طلاب حوزه آن روز قم:

شیوه مصرف شهریه طلاب ساکن در حجره‌ها گاه چنین بود که مجموعه دریافتی خود را در کیسه‌ای می‌ریختند و هرکس به مقدار نیاز خود از آن برداشت می‌کرد. گاه هر هفته یک نفر مسئول خرید می‌شد و فهرست هزینه‌ها را می‌نوشت و در پایان سهم هرکس را مشخص می‌کرد. ۱۲۳ در دوره حاشیخ تهجد و شب زنده‌داری در میان طلبه‌ها رواج داشت. ۱۲۴ دست‌پروردگان حوزه قم در هر منطقه رفتند به نور افشانی پرداختند و با یاری یکدیگر و همدلی حوزه‌های شهرستان‌ها را آبادان ساختند و رایت دین‌داری را در میان مردم برافراشتند.

● جلوه شیوه درسی حوزه سامرا در قم

از ویژگی‌های مکتب سامرا نقد و بررسی مطالب بود. نگاه اصلی مکتب سامرا تحلیل و تجزیه متون، شامل قرآن، روایات، اقوال علما و توجه و یژه

از ویژگی‌های مکتب سامرا نقد و بررسی مطالب بود. نگاه اصلی مکتب سامرا تحلیل و تجزیه متون، شامل قرآن، روایات، اقوال علما و توجه و یژه به علم رجال استوار بود و فهم روایات در آن عمدتاً عرفی و از دقائق فلسفی به دور بود. طلبه‌ها از آغاز یاد می‌گرفتند که در مطالب درسی مطالعه کنند و یافته‌های خود را بنویسند.

طلاب کوشش داشت. حاج شیخ در آغاز ورود به قم بر اثر اندک بودن امکانات به دشواری طلبه می‌پذیرفت که بافقی به شیخ امید می‌داد که طلبه بیشتری بپذیرد با تدبیر و درایت، مشکلات معیشتی و اسکان آنان را برطرف می‌ساخت. ۱۱۹

معروف است که می‌گویند که طلبه سر درونی خود را که به مادرش

سختش بود اظهار کند، به حاج شیخ محمدتقی سهل و آسان می‌گفت. از بس که مهربان بود به همه رقم با طلاب همراهی می‌کرد. ۱۲۰

این محیط با معنویت موجب می‌شد که طلبه‌ها با زهد و قناعت زندگی کنند و وعده و وعیدهای مقامات دولتی آنها را نفریبند. برخی از طلبه‌های قم نیز با وجود احتیاج از شهریه استفاده نمی‌کردند. میرزا محمدحسین ناصرالشریعه از طلاب حوزه حاج شیخ، به علت حاضر نبودن در قم از شهریه تابستانی استفاده نمی‌کرد. ۱۲۱

روابط بین طلبه‌ها نیز برادرانه بود و در گرفتاری‌ها به یکدیگر یاری می‌کردند. گزارش‌دهندگان از سامرا به عنوان مدینه فاضله یاد می‌کنند که طلاب همدل و همزمان بودند و با رفاقت کارها را پیش می‌بردند و هیچ گونه رقابت منفی و تکالب

به علم رجال استوار بود و فهم روایات در آن عمدتاً عرفی و از دقائق فلسفی به دور بود. طلبه‌ها از آغاز یاد می‌گرفتند که در مطالب درسی مطالعه کنند و یافته‌های خود را بنویسند. از این رو مجالس درس میرزا گاه چند ساعت طول می‌کشید. ۱۲۵ امام خمینی درباره درس میرزا ابراز داشته است:

میرزا دو درس می‌گفته و پنج ساعت طول می‌کشیده است و محور بحث بر داد و قال و نقد و بررسی بوده و مباحثه نه مجادله. ۱۲۶

حاج شیخ نیز اهل فکر و تدبر بود. در دوره تحصیل در سامرا تا مسئله‌ای را هضم نمی‌کرد و برایش حل نمی‌شد از پای نمی‌نشست. ۱۲۷ مانند استادش میرزای بزرگ به طلبه‌ها می‌گفت در مطالب استاد را نقد کرده و نظر خود را درباره آن ابراز کنند و می‌گفت: مطلب را کاملاً دریافت و استنباط کنید و بعد قدم بالاتر بگذارید و اطراف و جوانب مساله را کاملاً بررسی کنید و کار امروز را به فردا واگذارید و تحقیق کنید و دارای مبنا باشید. امام خمینی در این باره گفته است:

یک روز حاج شیخ درسی را گفتند و از ما خواستند که آن را بنویسیم و فردا بیاوریم. یکی از آقایان که خوش تقریر بود، تمام مطالبی را که استاد بیان کرده بود نوشته بود بدون اینکه اشکالی و حاشیه‌ای بر آن نوشته باشد. استاد خطاب به آن شخص

فرمودند: خیلی خوب حرف‌های ما را نوشته‌ای اما یک «ان قلت» حاشیه‌ای بر آن ننوشته‌ای. آن مرد گفت: خوب نتوانستم اشکال پیدا کنم. استاد فرمودند: تا آنجایی که می‌شد باید یک ان قلت بزنی اگر اشکال هم نبود تا جایی که بی ادبی نبود حداقل یک فحش می‌دادی. (به مزاح فرمودند). ایشان همواره روی این مسأله که طلاب باید اهل تحقیق باشند تأکید می‌فرمود. ۱۲۸

آیه الله مصلحی به نقل از والدشان آیه الله اراکی در این باره ابراز داشته است:

شما ندیدید ایشان (حاج شیخ) لایدرک و لایوصف بودند. ایشان سخت‌ترین مسائل و غامض‌ترین مباحث را با سهل‌ترین بیان در اختیار انسان می‌گذاشت بدون اینکه به حشو و زواید پردازد و مطلب را طولانی کند و اینها باعث می‌شد که ایشان در این مدت کم... اختیار مبنا کنند. شیخ عبدالکریم در اراک تدریس کتاب بیع را شروع کردند و مرحوم ابوی می‌گفتند که مدت یک هفته به درس استاد حاضر می‌شده‌اند و بعد از یک هفته آن مطالب را نوشته و تحویل مرحوم حاج شیخ داده بودند و می‌گفتند که حاج شیخ گفته بود که من کیف کردم از مطالعه نوشته‌های شما. ۱۲۹

درس حاج شیخ با نقد و اشکال همراه بود. سید محمدتقی خوانساری، ۱۳۰ سید علی یثربی از جمله مستشکلین درس بودند.

● آزمون و اجازه

۵. یادنامه آیت الله العظمی اراکی، ص ۶۰۹.
۶. یادنامه آیت الله اراکی، ص ۱۴۸.
۷. رازگشا، ص ۱۲۲-۱۲۳.
۸. آینه داران حقیقت، ج ۱، ص ۲۷.
۹. نقباء البشر، ج ۳، ص ۱۱۶۴. کیهان فرهنگی، ش ۲، ص ۱۵، ۱۳۶۶ ش.
۱۰. تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۳، ص ۴۸۴.
۱۱. گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۲۸۶-۲۸۷.
۱۲. معارف الرجال، ج ۲، ص ۱۳۸.
۱۳. ستارگان حرم، ج ۷، ص ۲۰۳.
۱۴. بررسی عملکرد سیاسی آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری، ص ۵۹.
۱۵. گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۲۸۴-۲۸۶.
۱۶. هفتادسال خاطره، ص ۸۰.
۱۷. مآثر الکبراء، ج ۲، ص ۶۰. هدیه الرازی، ص ۴۱.
۱۸. الکلام یجز الکلام، ج ۱، ص ۱۰۷.
۱۹. نورعلم، ش ۲۲، ص ۸۹.
۲۰. نورعلم، ش ۲۲، ص ۸۶.
۲۱. هفتادسال خاطره، ص ۸۵.
۲۲. هفتادسال خاطره، ص ۸۱.
۲۳. آثار الحجه، ج ۱، ص ۲۲۰.
۲۴. ستارگان حرم، ج ۷، ص ۲۰۷.
۲۵. گنجینه دانشمندان، ج ۵، ص ۲۹۴-۲۹۵.
۲۶. بررسی عملکرد سیاسی آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری، ص ۵۹.
۲۷. یادنامه آیت الله اراکی، ص ۵۵۶.
۲۸. نقباء البشر، ج ۳، ص ۱۱۵۹.
۲۹. الکلام یجز الکلام، ج ۱، ص ۱۰۷.
۳۰. حوزه علمیه تاریخ ساختار، ص ۵۲.
۳۱. نقد عمر، ص ۳۴۳.
۳۲. الکلام یجز الکلام، ص ۲۸۹-۲۹۰.

شیخ عبدالکریم چون استادش میرزا ۱۳۱ طلبه‌ها را می‌آزمود و افراد کوشا و مستعد را تشویق می‌کرد. سید جمال الدین موسوی جابلقی گفته است: حاج شیخ روزی به وی می‌گوید می‌خواهیم امتحان بگیریم که وی اعلان آمادگی کرده و پس از امتحان به عنوان جایزه عبائی را به وی هدیه داده است. ۱۳۲

یا حاج شیخ ازناصراالاسلام بربرودی (۱۲۶۸-۱۳۵۶ش) از شاگردان فاضل حوزه دو مرتبه امتحان گرفت و در مرتبه اول شش جلد کتاب به همراه ده تومان به وی جایزه داد و در مرتبه دوم حاج شیخ ابراز داشت: آقا شیخ فضل الله جابلقی امتحانی داد که چشم مرا روشن کرد. و سپس به میرزا مهدی بروجردی سفارش کرد: سید تومان برای ادای بدهی او در ارتباط با ازدواج وی بپردازد و بر شهریه او بیفزاید. ۱۳۳

حائری پس از آزمون به میزان، خبرویت علمی تبلیغی و مدیریتی طلاب، برای آنان اجازه: امامت جماعت، تدریس، ۱۳۴ اجازه تبلیغ و یا اجازه حدیث و اجتهاد ۱۳۵ و یا اجازه امور حسبیه و تصرف در امور مالی و اجتماعی صادر می‌کرد.

پی‌نوشت:

۱. پژوهشگر و نویسنده.
۲. یادنامه آیت الله العظمی اراکی، ص ۶۰۹.
۳. هدیه الرازی، ص ۲۷۵-۲۷۶.
۴. مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۲۵۸.

۳۳. موسوعه الامام شرف‌الدین، ج ۷، ص ۳۰۷۱-۳۰۷۲.
۳۴. مفاخر اسلام، ج ۱۲، ص ۲۰۵.
۳۵. حقیقتی پنهان، ص ۶۸۶.
۳۶. آئینه دانشوران، ص ۷۴.
۳۷. مشاهیر خاندان صدر، ج ۱، ص ۶۰۷.
۳۸. جرعه‌ای از دریا، ج ۳، ص ۴۶۹.
۳۹. مشاهیر خاندان صدر، ج ۱، ص ۶۱۲-۶۱۳.
۴۰. ستارگان حرم دفتر، ج ۴، ص ۱۷۱.
۴۱. نقباء البشر، ج ۲، ص ۹۹۷.
۴۲. برآستان خوبان، ص ۳۶۱-۳۶۲.
۴۳. مجله حوزه، ش ۱۲، ص ۳۳.
۴۴. آثار الحجّه، ج ۱، ص ۱۷.
۴۵. آثار الحجّه، ج ۲، ص ۵۶.
۴۶. ستارگان حرم، ج ۱۳، ص ۲۳۵-۲۳۶.
۴۷. آئینه دانشوران، ص ۱۹۰.
۴۸. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۸.
۴۹. ستارگان حرم، ج ۱۳، ص ۲۳۸.
۵۰. مفاخر اسلام ج ۱۲، ص ۴۹۷-۴۹۸.
۵۱. مشاهیر مدفون در حرم رضوی ج ۱، ص ۴۴۴.
۵۲. خاطرات آیت الله ابراهیم امینی، ص ۴۳.
۵۳. آئینه دانشوران، ص ۵۳.
۵۴. آئینه دانشوران، ص ۵۴ پاورقی؛ .حوزه علمیه تاریخ ساختار، ص ۵۳-۵۴.
۵۵. ستارگان حرم، ج ۱۶۴، ۷-۱۶۵.
۵۶. صفائی نامه، ص ۳۲۱.
۵۷. صفائی نامه، ص ۴۷۵.
۵۸. گنجینه دانشمندان ج ۱، ص ۲۵۵.
۵۹. آئینه دانشوران، ص ۴۹.
۶۰. ستارگان حرم ج ۷، ص ۲۷۹-۲۸۰.
۶۱. حوزه علمیه تاریخ ساختار، ص ۵۱.
۶۲. موسوعه سید شرف‌الدین ج ۷، ص ۶۹۴.
۶۳. روزنامه رسالت، ۸/۵/۸۳، ص ۱۲.
۶۴. آئینه دانشوران، ص ۴۹.
۶۵. موسوعه سید شرف‌الدین ج ۷، ص ۶۹۴.
۶۶. نجوم السرد، ص ۳۹۷-۳۹۸، آئینه دانشوران، ص ۹۵-۹۶.
۶۷. آینه دانشوران، ص ۲۴۳.
۶۸. هفتاد سال خاطره، ص ۹۰.
۶۹. صحیفه امام ج ۱۹، ص ۴۲۶.
۷۰. آیت بصیرت، ص ۳۸.
۷۱. مشاهیر خاندان صدر، ج ۱، ص ۶۲۴-۶۲۵.
۷۲. آئینه دانشوران، ص ۸۸-۸۹.
۷۳. آئینه دانشوران، ص ۶۱-۶۲.
۷۴. آئینه دانشوران، ص ۷۷-۲۲۳.
۷۵. نقباء البشر، ج ۴، ص ۱۳۶۹.
۷۶. آئینه دانشوران، ص ۸۱.
۷۷. حجت نامه، ص ۳۱۳، چ.
۷۸. مفاخر اسلام ج ۱۲، ص ۲۰۳.
۷۹. گنجینه دانشمندان ج ۱، ص ۲۴۳.
۸۰. مفاخر اسلام ج ۱۲، ص ۱۲۳-۱۲۴.
۸۱. معزی نامه، ص ۲۰۷.
۸۲. تاریخ علما و روحانیت دزفول، ج ۲، ص ۷۱۷.
۸۳. آئینه دانشوران، ص ۸۲-۸۳.
۸۴. شرح حال دانشمندان گلپایگان ج ۲، ص ۳۳۵.
۸۵. مجله حوزه شماره ۱۲، ص ۴۶-۴۷.
۸۶. گنجینه دانشمندان ج ۲، ص ۲۱۴.
۸۷. آیت بصیرت، ص ۳۸-۳۹.
۸۸. آئینه دانشوران، ص ۱۴۳.
۸۹. مجله حوزه، شماره ۵۸/۵۵.
۹۰. پایه پای آفتاب ج ۴، ص ۲۳۷-۲۴۲-۲۴۰.
۹۱. عارف کامل، ص ۶۴-۶۵.
۹۲. حدیث نصر، ص ۱۱۸-۱۱۹.
۹۳. مجله نور علم شماره ۲۲، ص ۸۷.

۱۲۳. مجله حوزه شماره ۳۴، ص ۶۰.

۱۲۴. طالقانی و تاریخ، ص ۲۸.

۱۲۵. سر دلبران ص ۹۴.

۱۲۶. صحیفه امام ج ۱۹ ص ۱۰.

۱۲۷. مجله حوزه شماره ۱۲، ص ۴۶.

۱۲۸. امام به روایت دانشوران ص ۴۴-۴۵.

۱۲۹. یادنامه آیه الله اراکی ص ۶۳۴-۶۳۵.

۱۳۰. ستارگان حرم ج ۷، ص ۲۷۹-۲۸۰.

۱۳۱. یادنامه آیت الله اراکی، ص ۶۰۹.

۱۳۲. برآستان خوبان ص ۳۳۱-۳۲۹.

۱۳۳. برآستان خوبان، ص ۴۱۳-۴۱۴.

۱۳۴. سرگذشت آیه الله انگجی، ص ۲۰۳.

۱۳۵. برهانی برتارک زمان، ص ۱۰۹.

۹۴. روزنه ای از عالم غیب، ص ۲۵۳.

۹۵. یادنامه آیه الله اراکی، ص ۶۱۱.

۹۶. صحیفه امام، ۱۹ ص ۴۲۷.

۹۷. پایه پای آفتاب ج ۴، ۹۳، ۷۲، ۰.

۹۸. آینه دانشوران، ص ۲۰۷.

۹۹. گنجینه دانشمندان ج ۲، ص ص ۲۳۰-۲۳۱. آئینه

دانشوران، ص ۱۸۱-۱۸۲.

۱۰۰. گنجینه دانشمندان ج ۱، ص ۲۵۵؛ ستارگان

حرم ج ۱۸، ص ۱۶.

۱۰۱. پایه پای آفتاب، ج ۳، ص ۹۲.

۱۰۲. آئینه دانشوران، ص ۲۷۹-۲۸۰.

۱۰۳. آینه دانشوران، ص ۲۶۶ و

۱۰۴. مآثر الکبراج ۲، ص ۳۷۶.

۱۰۵. فقیه موسس، ص ۶۳۲.

۱۰۶. فقیه موسس، ص ۶۳۴.

۱۰۷. آینه دانشوران، ص ۳۵-۳۷.

۱۰۸. مفاخر اسلام ج ۱۲، ص ۵۲۷.

۱۰۹. شرح زندگانی آیت الله موسس و فرزند

برومندشان ص ۴۱.

۱۱۰. هفتاد سال خاطره، ص ۸۸.

۱۱۱. فقیه موسس، ص ۵۰۸-۵۰۹.

۱۱۲. گنجینه دانشمندان ج ۱، ص ۲۴۲.

۱۱۳. صحیفه امام، ۱۹، ص ۲۷.

۱۱۴. آئینه دانشوران، ص ۹۲-۹۳.

۱۱۵. پایه پای آفتاب ج ۳، ص ۲۲۰ و ج ۴؛ ۱۹۴-۱۹۵.

۱۱۶. سیمای فرزنانگان اردکان ج ۴، ص ۱۳۰-۱۳۱.

۱۱۷. سیمای فرزنانگان، ص ۳۰۷.

۱۱۸. شرح چهل حدیث، ص ۹۷.

۱۱۹. مجاهد شهید، بافقی، ص ۷۱-۷۲.

۱۲۰. یادنامه آیه الله اراکی، ص ۳۸۹-۳۹۰.

۱۲۱. فقیه موسس، ص ۷۸۰.

۱۲۲. موسوعه الامام شرف الدین ج ۷، ۲۰۵.

منابع:

- آینه دانشوران، سیدعلیرضا ریحان یزدی، تحقیق باقری بیدهدنی، کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۳۷۲ ش.
- آینه داران حقیقت، مصاحبه های مجله حوزه با شاگردان آیه الله بروجردی؛ بوستان کتاب، ۱۳۸۲ ش.
- امام به روایت دانشوران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵ ش.
- برآستانه خوبان، سید مهدی موسوی، قم، منشور وحی، ۱۳۸۹ ش.
- بررسی عملکرد سیاسی آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری فرزانه نیکوپرش. امیرکبیر. ۱۳۸۲ ش.
- تاریخ بیداری ایرانیان، ناظم الاسلام کرمانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴ ش.
- چهل حدیث، امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۰ ش.
- حقیقتی پنهان، خاطرات و اسنادی منتشر نشده درباره آیت الله بروجردی، محمدتقی انصاریان، انتشارات انصاریان، ۱۳۹۷ ش

- خاطرات آیت الله ابراهیم امینی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲ ش،
- خاطرات حجت الاسلام والمسلمین محمدتقی عبدوس، تدوین: حسن شمس آبادی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲ ش.
- رازگشا، ملاًعباسعلی کیوان قزوینی، طبع محمود عباسی، ۱۳۷۶ ش.
- سرگذشت آیه الله حاج میرزا ابو الحسن انگجی، محمد الوانساز خوئی، موسسه کتاب شناسی شیعه، ۱۳۹۲ ش.
- شرح حال دانشمندان گلپایگان، به کوشش رضا استادی، کنگره بزرگداشت علمای گلپایگان، ۱۳۸۱ ش.
- شرح زندگانی آیت الله موسس و فرزند برومندشان آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری، سید صادق حسینی یزدی، قم انتشارات علامه، ۱۳۸۸ ش.
- صحیفه امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹ ش.
- صفائی نامه، احوال و آثار آیه الله سید مصطفی صفائی خوانساری، محمدرضا خادمیان، موسسه کتاب شناسی شیعه ۱۳۹۳ ش.
- طالقانی و تاریخ، بهرام افراسیابی، سعید دهقان تهران، نیلوفر.
- فقیه مؤسس: خاطرات و اسنادی منتشر نشده در باره آیت الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری یزدی» به کوشش محمدتقی انصاریان، قم، انصاریان، ۱۳۹۸ ش.
- الکلام بجر الکلام، سید احمد زنجانی، قم، حق بین، ۱۳۹۱ ش.
- گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی؛ اسلامیه، ۱۳۷۵ ش.
- گنجینه دانشوران، احمد رحیمی، چاپخانه قم، ۱۳۳۹ ش. نمایندگان
- مجاهد شهید آیت الله بافقی، محمدرازی، قم پیام اسلامی بی تا.
- مجله حوزه شماره ۱۲، دی ماه ۱۳۶۴ ش.
- مستدرکات اعیان الشیعه، سید حسن امین، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۸ ق.
- مشاهیر خاندان صدر، محسن کمالیان، راز نی، ۱۳۹۶ ش.
- مشاهیر مدفون در حرم رضوی ج ۱، غلامرضا جلالی، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، ۱۳۸۶ ش.
- معارف الرجال، شیخ محمد حرز الدین، کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۵ ق.
- مفاخر اسلام، ج ۱۲، علی دوانی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹ ش
- موسوعه الامام السید عبدالحسین شرف الدین، دارالمورخ العربی ۱۴۲۷ ق.
- نامداران ساوجی، محمد حسین اکبری، ۱۳۸۸ ش.
- نجوم السرد، سید جواد مدرسی؛ تحقیق و بازنویسی سید محمد حسین مدرسی، انجمن آثار مفاخر فرهنگی استان یزد، ۱۳۸۴ ش
- نقاء البشر، آقا بزرگ تهرانی، مشهد؛ ۱۴۰۳ ق.
- نقد عمر، علی دوانی، تهران، رهنمون، ۱۳۸۳ ش
- الوقائع و الحوادث، محمداقرب ملبوبی، چاپخانه علمیه، قم، ۱۳۸۷ ق.
- هدیه الرازی الی المجدد الشیرازی تهرانی، تحقیق مرکز احیاء التراث العتبه العباسیه کربلا، ۱۴۴۱ ق.
- هفتاد سال خاطره، آیت الله سید حسین بدلاء، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
- یادنامه آیه الله العظمی اراکی، رضا استادی، اداره ارشاد استان مرکزی، ۱۳۷۵ ش.

